

جستارهایی از تحولات

لشکر ۱۰ سیدالشهداء (۱۳۶۲-۱۳۶۳)

مردان رستگار

روایت:

محمد ابوترابی



سرشناسه: ابوترابی، سیدمحمد، ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: مردان رستگار: جستارهایی از تحولات لشکر ۱۰ سیدالشهداء (۱۳۶۲ - ۱۳۶۳) به روایت سیدمحمد ابوترابی/ به کوشش محمدعلی صمدی، علی اکبری مزدآبادی. مشخصات نشر: تهران: نشر یا زهرا (س)، ۱۳۹۵. مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص: مصور (رنگی). شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۴-۲۷-۸	
وضعیت فهرست نویسی: فیا عنوان دیگر: جستارهایی از تحولات لشکر ۱۰ سیدالشهداء (۱۳۶۲ - ۱۳۶۳) به روایت سیدمحمد ابوترابی. موضوع: ابوترابی، سیدمحمد، ۱۳۴۱ - -- خاطرات موضوع: نجفی رستگار، کاظم، ۱۳۳۹ - ۱۳۶۳. موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات موضوع: شهیدان -- ایران -- تهران شناخته افزوده: صمدی، محمدعلی، ۱۳۴۰ - اکبری مزدآبادی، علی، ۱۳۵۸ - گردآورنده رده بندی دکن: DSR۱۶۲۹/الف۱۲۳۳۳ ۱۳۹۵ ه بندی دی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲ ماره کتابخانه ملی: ۴۲۰۰۵۶۱	
مردان رستگار	
جستارهایی از تحولات لشکر ۱۰ سیدالشهداء (۱۳۶۲ - ۱۳۶۳) به روایت سیدمحمد ابوترابی	
به کوشش: محمدعلی صمدی - علی اکبری مزدآبادی	
■ ناشر: یا زهرا (سلام الله علیها)	
■ ویرایش تصاویر: مهدی شهبازی	
■ نوبت چاپ: یکم - تابستان ۱۳۹۵	
■ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه	
■ لیتوگرافی: سینا ■ چاپ: معاصر ■ صحافی: طهری	
■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۹۴-۲۷-۸	
■ تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۶۵۳۷۵ - ۶۶۹۶۲۱۱۶ - ۰۲۱	
www.yazahra-publication.ir	

● فهرست

۶	پیش گفتار
۸	مقدمه
۱۴	سلام بر رستگار
۲۴	سفرهای شهدا
۳۶	سراهای بی ادعا
۴۲	خبرش حسین اسکندرلو
۵۰	مانور جنگی (تمرین سخت تر از جنگ)
۵۶	بصیرت الممان
۷۲	گریه های تاره دار
۷۸	راز سر ساربان
۹۲	گریه های همت
۹۶	ما می مانیم سرتان سلامت
۱۰۲	مجنون دشت مجنون
۱۰۶	غرقه در خون
۱۱۶	وقتش رسیده بود
۱۲۰	اشک های رستگار
۱۲۴	فرا تر از خاکریزها
۱۳۴	دانشگاه جنگ
۱۳۸	حسرت دیدار
۱۴۲	دیدار با آیت الله منتظری
۱۴۶	تدوین نامه ی معروف
۱۵۰	دیدار با هاشمی رفسنجانی
۱۶۰	طراحی فتنه ی منطقه ۱۰ سپاه
۱۶۸	آخرین دیدار با سرور آزادگان سپاه
۱۸۲	مقدمه نامه سرداران لشکر ۱۰ سیدالشهداء به مسئولان ارشد کشور ...
	بخش هایی از متن جزوه تدوین شده توسط سرداران لشکر ۱۰ سیدالشهداء
۱۸۴	درباره آسیب شناسی دفاع مقدس

● پیش گفتار

به نام حضرت شهید

پیش درآمدی بر شکواییه‌ی یک سرباز ولایت

حدود سه سال می‌گذرد از روزهایی که برای ثبت خاطراتی از «حاج حسین اسکندریلو» به محضر یکی از جماعت «السابقون» مشرف شده بودیم. سیدی خوش سیما و شیرین مشرب، هم‌نام با حضرت جدش (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که گاه در «دانشگاه امام حسین (صلوات‌الله‌علیه)» و گاه در منزلش، رخصتی برای گفت و شنو می‌داد.

در میانه‌ی هم‌نشینی با «سید محمد ابوترابی» دریافتیم که او نخ تسبیحی است که مدتها در دهان‌های پراکنده‌اش را با ذوق و شوق و البته سختی، یافته و در صندوق پستی کوچک پژوهش‌هایمان جمع کرده بودیم. سفره‌ی رنگین «حاج حسین اسکندریلو» را که جمع کردیم، «سید» را دعوتی زدیم به ضیافتی دیگر. ایشان لیک گفت: «بهمانی «مردان رستگار» آغاز شد.

آن‌چه پیش رو دارید، ماحصل جلسات متعددی است که در محضر آن «سید» عزیز بودیم. البته آن «سید عزیز» در میانی دهان، با پیشی گرفت و پیش از آن که تلاش ما برای تدوین جلسات ثبت وقایع، ثبت بنشیند، خود قلم به دست گرفت و مجملی از آن‌چه به تفصیل برای ما بیان کرده بود، به رشته‌ی تحریر درآورد و بنا شد این «نم»، پیش درآمدی باشد بر آن «سیم».

صحیفه‌ی پیش رو که عنوان دوپهلوی «مردان رستگار» بر تارک آن می‌درخشد، تنها شکواییه‌ی است کوتاه از مجاهدی دل‌خسته تا یاد یاران سفر کرده‌اش را از ورای هاله‌ای از غبار منقولات و روایات مبهم و غالباً نادرست بیرون کشد و برای نخستین بار پس از ۳۰ سال، روایتی دست اول و بی‌واسطه باشد از گعده‌ی جهادی رندان رستگاری که مردانه بر بیعت خود با پیشوایان

ایستادند و با خون خویش، بر صدقِ دعاویِ سترگ‌شان، مُهرِ جاودانه‌گی زدند. سالیان سال، نام‌شان مهجور ماند و تلاش‌شان برای تداومِ ظفرمندانهِ جهادشان، به خطا و ریبِ تأویل و تفسیر شد و اما چه باک؟ ضامنِ آبرو و حیثیتِ «مردانِ رستگار»، معبودی است که خریدارِ جان‌های تابناک‌شان بوده و سرانجام هم او ست که خورشیدِ حق و حقیقت را از مشرقِ عدالت و انصاف به‌شعله کشید.

با این صحیفه‌ی کوتاه، پای حکایتِ «مردانِ رستگار» می‌نشینیم، به قلم و روایتِ «سیا محمد بوتراپی». امید آن‌که شفاعتِ آن حضرات در واپسین دادرسی، روزی ما را به مانِ حقیر بارگاهِ شهیدان نیز قرار گیرد. ان شاء الله

و من الله توفیق

تابستان ۱۳۹۵

م. علی صمدی - علی اکبری مزدآبادی

● مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

در طول تاریخ شیعه، نام «شهید» همواره با مظلومیت توأم بوده و یادآور حضور در صحنه‌هایی که تنها مردان مرد قادرند در آن‌ها حضور یافته و نقش آفرینی کنند. نام «شهید»، همیشه مورد عناد و دشمنی ظالمان و بزدلان تاریخ بوده است، چرا که «شهید» یادآور ظلم و ستم و تعدی و حق‌خوری، حق‌کشی ظالمین در ادوار مختلف بوده و افشاگر ترسوها و در خانه نهشته‌گان، بره‌خانه‌های حساس دفاع از حق و حقیقت و ناموس و امنیت و جان مال و ده‌گان خدا می‌باشد. برای همین، همه‌ی ترسوها (حزب قاعدین) و ستمگران (المن)، به دنبال کم فروغ کردن یاد و خاطره‌ی شهیدانند و تلاش می‌کنند برای دفع از ستم‌ها و ستم‌گری‌های خودشان، شهیدان را از منظر تاریخ دور کنند تا دستر مجبور به پاسخ‌گویی به وجدان بشریت و خویش باشند.

لذا بزرگان دینی و مسئولین نظام قاس جمهوری اسلامی، همواره دستور به زنده نگاه داشتن یاد و نام این مدافعان مظلوم حق و حقیقت داده‌اند تا جایی که «مقام معظم رهبری»، زنده نگاه داشتن یاد و نام این بزرگان را با اجر شهادت می‌دانند و «حضرت امام خمینی»، اعظام و بزرگواری به مطالعه وصیت‌نامه‌ی این عزیزان کرده است.

از خیل شهدای مظلوم این امت، برخی به دلایلی، «عالم نرد» و سعی بر گم نام نگاه داشتن آنان مشهودتر است. در این میان، شهیدان «کنار» و «بهمنی» و فرمانده‌هان لشکر ۱۰ سیدالشهداء (صلوات‌الله‌علیه) از جمله مردان سردی هستند که معتقد بودند «امر به معروف» و «نهی از منکر» اگر برتر از جهاد نباشد، هرگز کوچک‌تر از آن نیست و لذا در کنار جهاد بزرگ‌شان که تاریختن خون‌هایشان تداوم یافت، دست به قلم شدند و آن‌چه را لازم می‌دانستند به مسئولین بالای سر گوشزد کنند، تدوین کردند و در کمال شرافت و صداقت و امانت‌داری، آن معضلات و کاستی‌ها را، فقط به گوش مسئولین

امر رساندند و هر چند برخی شیاطین و بزدلان دوست داشتند آن‌ها را وارد فتنه‌ای کنند که اعتراض‌شان به پای کار نبودن قوای کشوری و لشکری برای پیروز شدن در جنگ را خسته شدن از جنگ نشان دهند، اما خداوند کریم، شاهد بود و به قول و سنت الهی «ان الله يدافع عن الذين آمنوا» از آبروی آنان دفاع کرد و با شهادت در تنهایی و مظلومیت آنان را به میهمانی خود پذیرفت. آنان پنج سال قبل از پایان جنگ، مطالبی را یادآوری کردند که اگر در همان زمان به آن‌ها پرداخته می‌شد، کشور می‌توانست توفیقات بیشتری را در میدان جنگ به دست آورد و بهتر از آن چه شد را رقم بزند. نکاتی مانند:

ضرورت تکمیل تعداد کل نیروهای مسلح

ضرورت تشکیک نیروها، قدس

ضرورت تعیین فرماندهان اجنبی جنگ

ضرورت حضور دولت به عنوان بزرگ‌ترین ستاد جنگ در صحنه

ضرورت قرار گرفتن جنگ در صحنه مسائل کشور

ضرورت درک همه جانبه بودن جنگ با آن کشور

ضرورت ایجاد سیستم امر به معروف و نهی از منکر در امور جنگ

ضرورت پرهیز از فرسایشی شدن جنگ

ضرورت تدوین استراتژی برای جنگ

ضرورت ساخت انواع موشک

ضرورت پرداختن به پدافندها، خصوصا پدافند غیر عامل

ضرورت رعایت اصول جنگ و بهره‌مندی از آموزه‌های جنگ، نیز

آن‌ها با حضور در صحنه‌های حساس جنگ، از دفاع در مقابل توجیه اولیه عراق در غرب و جنوب تا عملیات‌های افتخارآفرین آزادسازی و حتی عملیات‌های منتهی به عدم‌الفتح حاضر بودند و از دل جنگ، تجربیاتی را تدوین کردند که هر چه زمان می‌گذرد، بصیرت و تیزهوشی آنان بیش‌تر به چشم می‌آید. مجاهدانی که با تلاش خود در تدوین جزوه‌ی «فرهنگ حاکم بر جنگ، راهبردها و راهکارها» دست روی مسائلی گذاشتند که امروز، با

گذشت ۳۰ سال از تدوین جزوه‌ی مذکور، بزرگان جنگ آن روز، به آن مطالب رسیده و جسارت طرح موضوع را پیدا می‌کنند. اما الان کجا و پنج سال قبل از قبول قطعنامه کجا؟

حقیر که افتخار هم‌راهی و هم‌سنگری با آنان را در کارنامه‌ی خود دارم و تقریباً از جزئیات آن تلاش شجاعانه در تدوین و ارائه‌ی جزوه‌ی مذکور مطلع هستم، سال‌ها است شاهد کوتاهی‌ها و بعضاً توهین و تهمت‌های برخی فرایان از جنگ نسبت به این بزرگان بودم که بنا به وسع خود، اگر بیان حقیقت را مؤثر می‌دیدم، گوشه‌هایی از جزوه‌ی مزبور را ارائه می‌دادم که پس از رؤیت سند، آن‌ها که حسن نیت و صداقت داشتند از گفته‌های خود عذر خواهی کرده و ارادت خود را نسبت به این سرداران فهیم، اعلام می‌کردند.

در طول زمان، وقتی برای من کردن دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه جنگ و دانشگاه ارم استراتژیک مشغول تحصیل بودم، محیط‌ها علمی و محل طرح نظرات عالمانه بود به طرح بخش‌هایی از مطالب جزوه و دفاع از فهم و بصیرت پاسداران و یثارگران دفاع مقدس پرداختم که موجب تعجب اساتید فن و دانشجویان را برآورد. اما برای شرح مطالب به صورت کتبی، فرصتی فراهم نشد تا اخیراً کتابی با نام «اسرار مکتوم» به دستم رسید که یکی از فرماندهان جنگ، از سر علم و اطلاع عموم نسبت به تلاش‌های «کاظم رستگار» و «حسن بهمنی» و یاران‌شان، استفاده کرده و آن حرکت عالمانه و نشأت گرفته از عرق و شرف پاسداران و انقلاب را، تخطئه کرده بود و من که می‌دانستم این فرد بر خلاف وجدان و اعتقادات خود، و فقط برای گریز از پاسخ‌گویی درباره‌ی عمل کردش، این شیوه را در پیش گرفته است، بر آن شدم حقایق را آن‌گونه که بوده، برای یاران بازمانده شهیدان و ملت شریف ایران بازگو کنم تا عقول سلیم و وجدان‌های بیدار، خود قضاوت کنند.

روا نیست که نام فرمانده‌ی لشکر ۱۰ سیدالشهداء (صلوات‌الله‌علیه) «حاج کاظم

نجفی رستگار» گمنام باشد و هیچ تلاشی برای شناساندن این عزیز حتی به هم‌شهریان خودش انجام نگیرد. امروز که این حقیر مترصد بازگو کردن آن ماجرای بزرگ شده‌ام، چه کنم که از میان آن عزیزان، چند نفر بیشتر زنده نمانده‌اند و بنده، در صحنه‌هایی منحصر به فرد با این شهیدان بوده‌ام که نوشتن از آن صحنه‌ها را ظلم به شهیدان و دفاع مقدس و تاریخ این سرزمین می‌دانم.

امید است لایق این افتخار باشم و آن شهیدان عزیز یاری‌ام کنند تا آن‌چه بر مدار حق و حقیقت است، بر قلم برانم و رضای خدای متعال را نصیب خود نمایم. از هم‌نوعان دوست‌داران شهدا و ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس، التماس دعا و آرزوی گوارا حایت، درخواست عاقبت به خیری دارم.

پاسدار انقلاب

سید محمد ابوترابی

۱۳۹۴/۱۰/۲